



جدیدترین اظهار نظر **باراک اوباما** درباره توافق هسته‌ای با ایران:

فشارهای اقتصادی و نظامی ادامه خواهد داشت

صفحه ۲

یادداشت امروز

عوارض جانبی جاسوسی صلح طلبانه!

مجتبی اصفری

پایان جلسات محاکمه جیسون رضاییان، جاسوس آمریکایی- ایرانی دستگیر شده در کشورمان، همراه شد با آغاز صدور مجوز فعالیت خبری تیم به اصطلاح خبرنگاری بی‌بی‌سی!



البته مجوز فعالیت برای عوامل شبکه‌های خبری کشورهای مختلف، معمولاً توسط دولت‌های کشورهای توسعه یافته نیز صادر می‌شود اما نکته اصلی اینجاست که هیچ دولت قدرتمندی در فضای جهانی «خبرنگاران کوله‌پشتی» را به‌عنوان عوامل ساده و آموزش ندیده صرفاً فعال در حوزه «خبر» به حساب نمی‌آورد. به همین دلیل است که فرضاً کشوری همچون آمریکا با انواع دستگاه‌های اطلاعاتی عریض و طویل مجوز فعالیت اعضای خبرگزاری‌های رسمی جمهوری اسلامی را با سختی و حساسیت بسیار و با محدودیت‌های تکان‌دهنده‌ای همچون منع کیلومتری تردد در حوزه شهری اطراف سازمان ملل تعیین می‌کند و در یک اقدام جالب توجه پیشگیرانه، گفت‌وگوی همه عناصر تاثیرگذار دولتی و حتی شبه‌دولتی با خبرنگاران ایرانی را ممنوع اعلام می‌کند!

در چنین فضای حساس اطلاعاتی- امنیتی، بازداشت جیسون رضاییان و محاکمه وی در ایران با عنوانی همچون «جیسون اسیر جنگ قدرت در ایران»، «پرونده‌سازی دستگاه‌های امنیتی ایران علیه شهروند آمریکایی» و موارد مشابه همراه با مرثیه سرائی درباره میزان رنج و ناراحتی‌ای که خانواده و رفقای آمریکایی وی در این مدت متحمل شده‌اند، بازتاب یافت!

خبرنگاران کوله‌پشتی در دنیای امروز، بهترین نیروهای جمع‌آوری‌کننده اطلاعات از مقصد و سوسه‌های دلخواه به شمار می‌روند و البته لزوماً «خبرنگار» نیستند. شیوه کارشان به این شکل است که موظفند اطلاعات دقیق و بی‌واسطه را از زمین حرف جمع‌آوری کرده و به اصطلاح «خلأهای اطلاعاتی سیستم‌های امنیتی دور از موقعیت» را بر طرف کنند.

خبرنگاری کوله‌پشتی در حقیقت شاخه‌ای از علم «داده‌کاوی هوشمند» از منابع آزاد» به شمار می‌رود که از ادعای ویژه سیا به شمار می‌رود و هم‌اکنون فعالان آمریکایی این عرصه در همکاری مستقیم با آژانس امنیت ملی آمریکا و وزارت دفاع این کشور فعالیت می‌کنند. آنها با استفاده از پوشش‌هایی همچون «یادمان حقوق بشر»، «عضو یک سازمان مردم‌نهاد خیر»، «گردشگر»، «مرد شناس» یا «خبرنگار آزاد» به جامعه هدف نزدیک شده و تلاش می‌کنند اطلاعات دست اول را از منابع محلی آزاد همچون سایر خبرنگاران، گروه‌های مردمی یا مدیران دولتی با درجات مختلف دسترسی، کسب کنند. پس هر چند اقدام مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای دلسوز درباره صدور هشدار امنیتی برای کنترل و رصد بیشتر خبرنگاران خارجی حاضر در ایران قابل تقدیر است اما نکته اینجاست که هیچ دستگاه امنیتی از چنین پتانسیلی برخوردار نیست که حجم قابل توجهی از نیروهای خود را در راستای پایش رفتارها و دیدارها و حرکات خبرنگاران خارجی حاضر در خاک ایران، به کار گیرد!

این فریادگرایی است که موجب می‌شود به خبرنگاران آموزش‌دیده شبکه خبری‌ای که رسماً در فتنه‌افروزی علیه نظام حاکم بر ایران به اعتراف صریح خود نقشی فعال ایفا کرده، مجوز فعالیت بدهیم و در پایان با عواقب ناخوشایندی همچون اعتراضات حزبی معاون رئیس‌جمهور کشورمان در دردل خودماتن با بی‌بی‌سی دست و پنجه نرم کنیم! این دست‌کم گرفتن فردی آموزش‌دیده و حرفه‌ای همچون جیسون رضاییان در طول قریب به ۱۰ سال بود که منجر شد وی با نزدیک شدن به مدیران دولتی با انگیزه‌های قابل بررسی، به اطلاعات یکی از نهادهای مهم دولتی کشور دست پیدا کند و سطح دسترسی وی در امکان محرمانه ایرانی به حدی بالا رود که به قول اعضای لابی امنیتی نایاک در ایران او را «حاجی جیسون» خطاب کنند!

ادامه در صفحه ۵

این هفته همزمان با سفر فیلیپ هاموند، سفارت بریتانیا در ایران بازگشایی می‌شود

بازگشت انگلیسی‌ها

صفحه ۲



حرمت‌های از یاد رفته آشنا

نسیم عسگری*

و دیوارهای سکونتگاه‌شان بازتاب صدای قدم‌های زلزله‌ای بود که گذرهای منتهی به آن مکان قدسی را طی می‌کرد.

هزاران افسوس...

اینک حرمت گام‌های حلقه‌های بافت به بهانه آشنای توسعه زیر سوال رفته و اگر بخواهیم بشماریم، موضوع به این چند نمونه ختم نمی‌شود، بلکه از این دست بسیاری‌اند. آخر فاجعه اینجاست که ما بیش از شناخت طرح‌ها و مفاهیم مرتبط با آنها، بر تشکیلات تأکید می‌کنیم که در نتیجه ثمری حاصل نمی‌شود، چراکه بدون طرح، بدون قدر و تعقل، هر اقدامی به خرابکاری و دوباره‌کاری مبتلا خواهد شد. بنابراین برای تأمل و تدبری آگاهانه در مفاهیم، باید با نگاهی منصفانه و منبرانه به بررسی اقدامات و عملکردهای دهه‌های اخیر در حوزه توسعه مکان‌های مقدس پرداخت تا هم مانع کج‌فهمی‌های آینده از طریق ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو شود و هم بتوان به چگونگی نحوه صیانت و حفاظت از این حرمت‌های از یادرفته به شایسته‌ترین شیوه ممکن دست یافت. به بیانی دیگر باید آن هنگام که برای برنامه‌ریزی آماده می‌شویم و برای طرح‌ریزی اقدام می‌کنیم، به تدوین دستورالعملی بیندیشیم که به کمک آید و به فکر نیروهایی باشیم که به تمام ارزش‌های پنهان و نهان این آثار ارزشمند آگاه باشند. انگونه که نمره آن به شکل‌گیری راهبردهای علمی و راهکارهای عملی بینجامد نه اینکه تنها در حد تکه کاغذهایی در لایه‌لای منشورها و قوانین داخلی و خارجی بر جای ماند!

«پژوهشگر و دکترای مرمت و احیای بافت‌ها و بناهای تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان»

البته آمریکایی‌ها در توهین به ملت بزرگ ایران ید طولایی دارند. از وحشی خواندن مردم ایران از سوی «رونالد ریگان» رئیس‌جمهور مقبور آمریکا در سال‌های نخستین انقلاب تا اهانت اخیر «بیندسی گراهام» سناتور و نامزد احتمالی جمهوریخواهان برای ریاست جمهوری که ایرانی‌ها را دروغگو خوانده بود، نمونه‌هایی از موضع‌گیری‌های قابل تأمل مقام‌های آمریکاست. حتی چهاره‌ای چون «وندی شرم» مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی‌ها نیز در جمله‌ای سخنی، دی‌ان‌ای ایرانی‌ها را مملو از فریب و نیرنگ دانسته است.

نکته دوم در این زمینه بلاهت سرکردگان آمریکاست که پس از گذشت ۴ دهه هنوز حاضر به دیدن واقعیات انقلاب سال ۵۷ و جمهوری اسلامی ایران نیستند و همچنان می‌کوشند با پافشاری بر آنچه شخص است اینکه، احمقانه خواندن یادواره مشترک و هویتی مردم ایران در وهله نخست، توهینی آشکار به ملت به شمار می‌رود.

ادامه در صفحه ۵

مقدمه کوتاهی که به قلم درآمد، نیازمند بیان نمونه‌های شاخص و توضیحات مختصری است تا شاید بدین طریق تلفنگری شود برای تفکری دوباره و اندیشیدنی از جنسی متفاوت!

نقش محوری و کلیدی مکان‌های مقدس در بافت‌های تاریخی، بازگوکننده این است که این مکان‌ها مرکز، معنا و مفهوم آرامشی را به ارمان می‌آوردند که نه تنها لازمه حیات معنوی ساکنان آن شهر را خواهان بوده، بلکه ارتباطی ناگسستنی با سایر فضاهای همجوار خود داشته‌اند. در این میان مذهب تشیع نیز نقش بسزایی در استقرار و رونق سکونتگاه‌های انسانی داشته، به گونه‌ای که این مجموعه‌ها و زیارتگاه‌های تاریخی یادآور نماهای بسیار مسلط از این آیین، به دنبال ثبت وقایع سیاسی و اجتماعی حاکم بر زمان خود بوده‌اند. علاوه بر آن انسجام و یکپارچگی بین این ساختارهای قدسی با بدنه‌های بلافاصل خود نیز ضامن حریمی می‌شد که رسم ادب و خضوع را بی‌واسطه به مخاطبان و زائران خود می‌موخت اما اکنون اگر با مسافران و زائرانی که به این فضاها راهی می‌شوند همراه شویم، آنچه خواهیم یافت آماج عظیمی از تغییراتی است که به حریم بازتاب یافته از تأثیرات و وقایع تاریخ اسلامی این فضاها، در دوره‌های اخیر تحمیل شده است.

به‌طور مثال استقرار عناصر ناهمگون و احداث تأسیسات شهری غیر ملزوم در محدوده بین‌الحریمین کربلا، مسدود و مسقف کردن صحن‌ها و پنهان شدن بخش عمده‌ای از چهره گنبدهای

شهر امروز

انسان معاصر که در جست‌وجوی رسیدن به آسایش باطن راه به سوی هر چیز و هر جا می‌جوید، ناخواسته چنگ به ندای غیبی می‌گذارد و در این هیاهوی شهر قدم به فضاهایی می‌گذارد که آکنده از رایحه امن الهی است. همان عرصه‌ای که انسان ادب آموخته به حرمت را در کنار خود نشانده تا با تأمل و تعمقی دوساره به یاد آورد هر مکانی آنگونه که در ذاتش پنهان است، آداب حضور می‌طلبد. احترام و حرمتی شکل یافته از بایدها و نبایدها که هنجارهای ورود به قلمرو ساحت قدسی را محصور و محدود می‌سازد. محدودیت‌هایی که جزء به جزء آن پانسختگی این ادب و احترام است و برخاسته از جوششی از درون زائری خاشع که گاه با احکام شرع مقدس سامان می‌گیرد و گاه با قوانین اجتماعی جامعه امروز نظام می‌یابد.

بدون شک، بین معماری اماکن مذهبی و سکونتگاه‌های بهم پیوسته‌ای که این بناها را در قلب خود جای داده‌اند یا به بهانه حضور آنان در همسایگی‌شان حیاتی معنوی یافته‌اند؛ روابط و نسبت‌هایی حاکم بوده که مسبب حرمت‌گذاری خاص بر آنها می‌شود. این تقدس که از اصلی‌ترین ویژگی‌های اینگونه بناها و بافت‌های تاریخی به‌شمار می‌رود، طی سالیان متمادی با آموزه‌های دینی و فرهنگ جامعه آمیخته شده است. حال آنکه متأسفانه امروز به طرق و بهانه‌های مختلفی چون طرح‌ها و توسعه‌های شتابزده، حجاب ادب در این اماکن و مجموعه‌ها دستخوش لطماتی شده که در خوش‌بینانه‌ترین حالت، باید زمان بسیاری را صرف ترمیم آنها کرد.

نگاه

از ۵ دهه پیش یعنی از زمان تصویب قانون خفتیار کاپیتولاسیون در مجلس رژیم ستم‌شاهی (سال ۱۳۳۲) که به آمریکایی‌ها مجوز هر جنایتی را در ایران می‌داد تاکنون، شعار «مرگ بر آمریکا» پرطنین‌تر و پرشورترین آوایی بوده که از گلوئی مردم ایران فریاد شده است. حتی در روزهایی که خبری از جمهوری اسلامی و به تبع آن استقلال، آزادی و دیگر کلیدواژه‌های دربردارنده نبود، این شعار صدای مشترک مبارزان از قاطبه مردم مسلمان گرفته تا گروه‌های چپ، ملی‌گرا و... به شمار می‌رفت. پس از انقلاب نیز جنایات آمریکایی‌ها چنان مکرر و گسترده بوده و هست که لازم نیست تظاهرات و گردهمایی‌های مناسبی بهانه‌ای برای سر دادن شعار مرگ بر آمریکا ایجاد کند بلکه این عیارت ززم‌م‌های برای بسیاری از ایرانیان است؛ مردمی که کسان‌شان قربانی درنده‌خویی سردمداران دولت «صهیونیست‌پناه»

تیتز امروز

انتقاد فرمانده سپاه از زیر سؤال بردن استقلال و عزت کشور توسط برخی مسؤولان

اجازه نفوذ نمی‌دهیم

برخی معتقدند رفتارهای ما باید در چارچوب اراده دشمن تنظیم شود



حرف حساب

مگر بر سر چه چیزی توافق کرده‌اید؟!

سیدعباسین نورالدینی

آقای حسن روحانی روز چهارشنبه در دیدار استناداران، از برخی اظهارنظرها پس از توافق هسته‌ای انتقاد کرد و گفت نباید پس از توافق همانند گذشته اظهار نظر کنیم. یک روز بعد، صفحه اینستاگرام او به صورت ویژه این بخش از اظهارات روحانی را منتشر کرد: «تبادل فکر کنیم پس از حصول توافق می‌توانیم هر طور که بخواهیم حرف بزنیم و عمل کنیم و دیگران در برابر این تغییر رفتار ما واکنشی نخواهند داشت. باید همان مسیر سازنده را به درستی به پیش ببریم، همان راهی را که مردم در خرداد ۹۲ به آن اقبال کردند و عامل این توفیق بود که اگر آن راه را ادامه ندهیم، چه بسا توافق نیز پایدار نباشد».

کاملاً مشخص است این اظهار نظر آقای روحانی ناظر بر چه موضوعی و در واکنش به بیان کدام مواضع اصولی انقلاب و نظام اسلامی است. ضمن احترام به رئیس‌جمهور محترم اما با توجه به صراحت کلام و عمل ایشان درباره این موضوع، باید بی‌برده چند نکته را با ایشان در میان گذاشت.

۱- آقای روحانی در میانه مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا وارد مذاکرات شد! این مذاکرات در دولت قبل کلید خورد. آن موقع که برخی اطرافیان آقای روحانی با واسطه یا بی‌واسطه به مسؤولان صداوسیما پیام می‌دادند که هدف آنها از آمدن در انتخابات، گرفتن حداکثر یکی دو میلیون رأی است؛ دیپلمات‌های وزارت امور خارجه در عمان مشغول مذاکره با آمریکایی‌ها بودند. آنگونه که آقای علی‌اکبر صالحی گفته است؛ پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ زمانی که موضوع این مذاکرات به آقای روحانی گفته شد، وی اساساً باور نمی‌کرد چنین مذاکره‌ای صورت گرفته و تا آن سطح به پیش رفته باشد! فروردین‌ماه سال ۹۲ نیز رهبر انقلاب در حرم مطهر رضوی علناً موضوع مذاکره با آمریکایی‌ها بر سر مسائل هسته‌ای را اعلام کردند! بنابراین آقای روحانی در میانه مذاکرات رسیدن این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که برخی مسؤولان دولتی به گونه‌های رفتار می‌کنند که گویا نظام مخالف مذاکرات بوده یا اکنون مخالف توافق هسته‌ای است! خیر! شما تازه رسیده‌اید! البته بعدها خواهید فهمید اقدامات شما کدام قطعه از پازل را جور کرده است!

ادامه در صفحه ۵